

صدای بی صدایان باشیم !

محمد جراحی کارگزندان را آزاد کنید !

امیر جواهری لنگرودی

مهر ۱۳۹۴ برابر اکتبر ۲۰۱۵



محمد جراحی طی سال های گذشته از طریق پیامی از زندان تیریز نوشته است : « من يك کارگرم و تا ایجاد تشکل ها و سندیکا فعالیت خواهم کرد . من در اعتراض به دولت که از تشکیل تشکل ها و سندیکاهای کارگری جلوگیری به عمل می آورد، به زندانی بودنم ادامه خواهم داد. هم اکنون تشکیل سندیکا مطالبه بر حق من است. و شرط آزادیم از زندان تشکیل سندیکا ست. جای من زندان نیست، دولت ایران به مقابله نامه های جهانی متعهد باشد ...

محمد جراحی کارگر زندانی
کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری»

محمد جراحی کیست؟

محمد جراحی فعال شناخته شده کارگری در بخش نقاشی ساختمان اهل تیریز، عضو « سندیکای نقاشان ساختمان ایران »، همچنین عضو « کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری» به دفعات دستگیر و به زندان کشانده شد و با قرار وثیقه آزاد و دیگر باره به زندان افتاد .

محمد جراحی از جمله ؛ در سال ۸۶ به دلیل فعالیت در میان کارگران ، به بهانه در دست داشتن بولتن "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" و مطالعه نشریات ویژه مسائل کارگری و عضویت در «

انجمن سلامت اجتماعی آذربایجان « دستگیر و بدون حق استفاده از وکیل و به اتهام های عدیده خاصه " تبلیغ علیه نظام " و " به نفع گروه های ضد انقلاب " ، به چهار ده ماه حبس محکوم شده بود. بعد تر با قرار وثیقه آزاد گردید. نامبرده باردیگر در دوم تیرماه سال ۸۷ به حکم دادگاه دستگیر شد و یک ماه نیز در زندان بود. در این دوره آقای نقی محمودی وکالت محمد جراحی را برعهده گرفتند و به رای صادره موکل خود اعتراض نمودند. با پیگیری وکیل ایشان موفق شدند، مجازات حبس را به حالت تعلیق در آوردند. باوجود دریافت تعلیق مجازات حبس ، محمد جراحی ، مدتی در زندان ماند.

بارسوم همین زندان طویل مدت است که همچنان در زندان بسر می برد. برپایه آنچه از سال ها پیش در خاطرم مانده و در رادیو محلی ما درشهر گوتنبرگ (سوئد) ، "رادیوهمبستگی با کارگران" طی برنامه مشترک با رفیق فرخ قهرمانی در دو روز هفته پیش می بردیم ، بازداشت محمد جراحی فعال کارگری اهل تبریز ، کارگر اخراجی عسلویه، عضو "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" در منزل ایشان صورت گرفت .

این ماجرا در پیوند با دستگیری شاهرخ زمانی عضو دیگر کمیته "پیگیری ایجاد تشکل های کارگری" و "هیات بازگشایی سندیکای کارگران ساختمان و نقاشان" به همراه "نیما یعقوب وند" و "ساسان واهی" و "فعالان جنبش دانشجویی دستگیر و از بند قرنطینه زندان مرکزی تبریز ، به اداره اطلاعات استان آذربایجان شرقی احضار شدند.

بعد تر که ما از طریق رفیق محمد اشرفی یک تن از سخنگویان " کمیته حمایت از شاهرخ زمانی" ، که خود آنزمان در ترکیه بود و ما از آنطریق ازفرار "نیما یعقوب وند" به ترکیه مطلع شدیم . رفیق مان فرخ قهرمانی مجری برنامه آنروز رادیو ، طی برنامه ای با " نیما یعقوب وند " ، گفتگوی طولانی داشت.

متأسفانه وبلاگ رادیو ما چندی بعدتر هک گردید و بازسازی آرشیو آن برای ما مقدور نیافتاد. (۱)

در همان تاریخ محمد جراحی اعلام داشت: هیچ احضاریه برای وی و شاهرخ زمانی ارسال نشده و آن ها به صورت ناگهانی و غافلگیرانه برای اجرای حکم در خردادماه ۱۳۹۰ (ژوئن ۲۰۱۱) دستگیر شده بودند.

بر اساس رأی شعبه یکم دادگاه انقلاب تبریز که در تاریخ ۲۷ مرداد ماه تشکیل شده بود، شاهرخ زمانی به ۱۱ سال حبس تعزیری، محمد جراحی به پنج سال حبس تعزیری، نیما پوریعقوب به شش سال حبس تعزیری، و ساسان واهی و ش به شش ماه حبس تعزیری، محکوم شده بودند. در متن رای صادر شده اتهامات این فعالان کارگری "تشکیل گروه غیرقانونی مخالف نظام"، "مشارکت در فعالیت تبلیغی علیه نظام" و "مشارکت در اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت" و نیز "توهین به رهبری" عنوان شده است.

بعد از یک سال و اندی زندان و ایستادگی محمد جراحی در برابر بازجویان ، خبر ها حاکی از این است که پلیس با لباس ویا بدون لباس به عنوان لباس شخصی فرزندان محمد جراحی را تحت عناوین مختلف زیر فشارهای روحی و روانی قرار داده است. پلیس در تلاش است از این طریق محمد جراحی که با ایستادگی و مقاومت، کمر خم نکرد و کوتاه نیامد ، بدین طریق با کشاندن پای فرزندانش به این ماجرا، در صدد این بودند محمد جراحی را شکنجه مضاعف نمایند تا بشکنندش !

طی سال های گذشته محمد جراحی طی پیامی از زندان تبریز نوشته است : «...من محمد جراحی، کارگر زندانی و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری هستم. من بیش از دو سال است در زندان تبریز به سر می برم. در زندان دچار بیماری غده خوش خیم تیروئید شدم. هنگام مراجعه به بیمارستان با دستبند و زنجیر به پا چنان از توهین و بد رفتاری زندانبان و ماموران همراه، اذیت و آزار شدم که دیگر راضی به مراجعه به بیمارستان نیستم....» (۲)

باید گفت در طول زندان کشیدن محمد جراحی، خانواده وی تحت عناوین متفاوت اذیت و آزار شدند تا ای بسا که با این کار خود به مقصود خویش که همانا شکستن زندانی است، دست یابند و این در حالیست که نقی محمودی وکیل دادگستری در گفتگوش با "رادیو ندا" اعلام داشت: «وضعیت محمد جراحی بدلیل ابتلاء به سرطان بدخیم تیروئید، در شرایط دشواری بسر می برد.» وکیل نام برده افزود: «جمهوری اسلامی سعی دارد با عدم درمان زندانیان سیاسی، آنها را به نیستی سوق دهد»

محمد جراحی در نامه ای به ریاست محترم "سندیکای نقاشان ساختمانی ایران" متذکر می شود:

«در طول این مدت به دلیل شرایط سنی (۵۵ سال) و وضعیت نامناسب زندان تبریز از نظر تغذیه و بهداشت به بیماری هایی اعم از سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون دچار شده ام. ولی متأسفانه تا به حال اقدامات مناسبی از طرف مسئولین زندان در راستای درمان بیماری هایم انجام نگرفته است. شایان ذکر است بنده به خاطر ابتلاء به بیماری سرطان تیروئید یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته ام و طبق نظر پزشکان متخصص مراحل درمانی باید در بیرون از زندان پیگیری شود....» (۳)

باید گفت؛ محمد جراحی در کنار دیگر فعالین کارگری جرمی مرتکب نشدند. آنها از حقوق حقه کارگران دفاع می کنند. حقوقی که در دنیا برسمیت شناخته شده و جمهوری اسلامی نیز روی کاغذ آنها را پذیرفته اما فعالین کارگری را به "جرم" دفاع از حقوق صنفی و طبقاتی شان دستگیر و زندانی می کنند.

امروز پرسش اساسی این است که : آیا جای فعال کارگری زندان است ؟

پرسش فوق را با پرسشی دیگر همراه می نمایم و آن اینکه؛ چرا رژیم جمهوری اسلامی محمد جراحی و دیگر فعالان متشکل را به زندان می کشاند. عبارتی هدف رژیم از زندان نمودن کارگرانی که در تشکلی جای دارند چیست؟

برای رژیم های دیکتاتوری، وجود کارگری که با تشکلی تعریف می گردد و یا سطحی از تشکل پذیری را پذیرفته باشد و در امر سازمانگری هم طبقه ای های خود قدم بردارد، بمثابة بمب و ترکشی می نماید که چنانچه هر آن چاشنی انفجاریش را بکشی، می تواند بدنه ای را منفجر نماید. داستان به زندان کشاندن همه فعالان پیشرو و جا گرفته در درون تشکل های واقعا موجود مستقل را در تمامی سطوح باید از همین منظر نگریست.

کارگر سازمانگر و تشکل پذیر، کارگری که در درون نهاد صنفی و طبقاتی خود به نام کمیته، سندیکا، شورا، انجمن طبقاتی و یا هر سطح دیگری از ظرف متشکل اش سازمان یابد، برای رژیم های استبدادی، توتالیتار و هار قابل قبول و تامل نیست.

رژیم ضد کارگری اسلامی، نمی تواند حضور و مادیت وجودی محمد جراحی ها را در درون " کمیته پیگیری " ، " سندیکای نفاشان ساختمان " و یا هر ظرف دیگری که خود کارگران سازمانش داده اند بپذیرد.

رژیم اسلامی نمی تواند استقلال عمل طبقاتی آن تشکل ها را که به اثبات رسیده و خود را زیر مجموعه نهاد های خود ساخته و پرداخته رژیم و انواع شبکه های شبه کارگری رژیم نمی شناسند ، همواره دربرابر این نهاد های ریز و درشت قد علم می کنند تا اعمال سیاست کارگری نمایند ،موجودیت قانونی این تشکل ها و بنیادگزارانش را بپذیرد!

رژیم اسلامی از فردای روی کارآمدنش، بعبارتی در تمامی دوره های حیات سی و اندی ساله اش ،استقلال عمل طبقاتی کارگران و تشکل های مستقل آنان را برنناهیده است. در عوض این خود کارگران ، سازمانگران، پیشروان و تلاشگران کارگری بودند و هستند که تشکل های مستقل سازمان داده شده خود را برهیکل وجودی نظام قبولانند و هزینه های بس سخت و گرانش را نیز طی این سال ها به جان خریدند. اعدام کارگران و به قتل رساندن آنان در زندان ها ، به زندان کشاندن و شکنجه و حکم شلاق و به بیماری کشاندن آنان ، بیکار ساختن و اخراج از کار و تبعید ناگزیزکارگران همه و همه، هزینه های جان سخت این سال ها است که بر پیکره کارگران پیشرو وارد آمده است .

به باور من رژیم اسلامی هر اندازه که پیشروی مردم و جنبش های اعتراضی کارگران را محکم تر ، پیوسته تر و متشکل تر می یابد، حلقه محاصره و به بند کشیدن کارگران متشکل و سازمانگر را بیشتر می کند تا بتواند دوره تنفسی را برای برون رفت ازبحران خود بیابد.

امروز که بیش از گذشته جامعه ما با مشکلات و بحران های وسیع ادواری ورشکستگی اقتصادی ، دزدی و کلاه برداری و اختلاس های چند صد میلیاردی روبرو است . چرخه صنایع بشکل بیرویه ای به پیش می رود. بعد از پایه ریزی توافق هسته ای با جهان امپریالیستی ، سرمایه داری جهانی یکی پس از دیگری برسر تصاحب بازارهای ایران با هم به رقابت برخاسته اند. بر بستر چنین شرایطی، فشار بر طبقه کارگر فزونتر از پیش شده است.

قتل نابهنگام رفیق سازمانگر کارگر کمونیست شاهرخ زمانی ، واگذاری نه سال حکم زندان به محمود صالحی، حکم تجدید زندان هفت سال و نه ماه و پانزده روز زندان به صورت حکم قطعی به مجموعه احکام پیشین بهنام ابراهیم زاده ، سه سال زندان رسول بدایعی معلم زندانی ، بی توجهی به وضعیت جسمی محمد جراحی در زندان و بی پاسخ گذاشتن خواست خانواده و وکیلش برای مداوای او ، دستگیری سخنگویان معلمان کشور ، عدم توجه به ناگواری وضعیت جسمی خانم نسرین محمدی فعال مدنی در زندان، محاکمه کوروش بخشنده فعال کارگری در کردستان، انتقال حسن رسولی فعال کارگری و از اعضاء کمیته هماهنگی به زندان بوکان ، دستگیری شاهپور رشنو، لی محمد جهانگیری،امیررحیم خانی ازفعالان کارگری ومدنی شهر اندیمشک ، درکنارفعالان دانشجویی، پرستاران ، اقلیت های ملی ، مذهبی و دگر باشان جنسی، معترضان مدنی، محیط زیست نیز و... همه و همه شدیداً در دل چنین سیاستی توسط حکومت اسلامی تحت تعقیب قرارگرفتند وهزینه می پردازند که فهرست آنان بغایت طولانی و خود شرح یک مقاله مستقل است .

چه می توان کرد؟

پاسخ به چه می توان کرد را از حلقه چه نباید کرد آغاز می کنم. اگر از انحصار طلبی بپرهیزیم، اگر حرکت از دایره تنگ فرقه ای مان را فرو ببندیم و به عمل متحدانه بیاندیشیم . دفاع از کارگران زندانی

شده را بسان مسابقه و سنگ پرشی برای خود نبینیم و ضمن محترم شمردن شعاع عمل هر یک مان بر پایه محترم شمردن استقلال عمل نهادها و کانون ها و سازمان ها و احزاب و جمعیت های یکایک مان در اقدام متحد و مشترکمان ، آنهم در سطح جهان چشم داشته باشیم . می توانیم در دوره اخیر گام های اساسی تری برداریم .

اگر که معتقدیم کارگران ایران تنها نیستند ، پس خودمان نیز در عمل اجتماعی و در امر پشتیبانی نباید تنها باشیم و متحدانه عمل نکنیم .

از اینرو در چنین شرایطی وظیفه خطیری متوجه یکایک فعالان کارگری و مدافعان حقوق آنان در داخل و خارج است که همصدا فریاد آزادی محمد جراحی و پایان بخشیدن به وضعیت ناهنجار جسمی او و رها شدنش از زندان را به شکل بی قید و شرط در برنامه دوره اخیر خود جای دهیم.

همه ما در سطح جهان و در صافی متحد و اقدامی جمعی با تدارک یک کارزار بین المللی ، می توانیم وضعیت محمد جراحی و دیگر همراهان زندانی او و هم طبقه ای هایش را به درون سازمان ها ، احزاب و اتحادیه های جهانی ببریم و با تاکید یاد آور گردیم : که سرمایه مالی جهانی باید بداند که سرمایه داری ایران با توجه به خفه کردن صدای پیشروان کارگری ما ، جاده بازار های ایران را برای سرمایه داری شما هموار می کند.

در ایران متحدان جهانی شما ، کارگران سازنده جامعه ما در زندانند ، هر گاه کارگران در مقابل عدم پرداخت به موقع دستمزد ها، قرارداد های موقت و سفید امضاء ، در جهت ایجاد تشکل، بر علیه دستمزد های ناچیز و ... دست به اعتصاب، تجمع و بستن جاده ها زده اند از طرف سرمایه داران و دولت شان مورد هجوم، ضرب و شتم ، دستگیری ، زندان و اخراج قرار گرفته اند . کارفرمایان و دولت سرمایه داری با سوء استفاده از پایین بودن سطح آگاهی طبقاتی، احساسات ملی و مذهبی مردم، بخصوص کارگران، ضمن افزایش سود سرمایه، استثمار و ستم علیه نیروی کار را مضاعف کرده اقدام به ایجاد تفرقه و پراکندگی میان کارگران می کنند .

هرگاه کارگران پیشرو، فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی جهت خنثی کردن نقشه های شوم و تفرقه افکنانه ی سرمایه داری، اقدام به کار آگاه گرانه نموده اند، مورد غضب دولت سرمایه داری قرار گرفته اند. از جمله محمد جراحی به جرم توزیع نشریات کارگری و آگاه ساختن کارگران نسبت به منافع طبقاتی خود از کار خود در عسلویه اخراج شده و بعد هم دستگیر و زندانی می شود .

به عبارتی کارگران از حق تشکل و تجمع محرومند . ماهها حقوق نمی گیرند و آنگاه که به این بی حقی اعتراض می کنند از کار اخراج می گردند، دستگیر می شوند و سال ها بدون کمترین توجه و وکیل مدافعی در زندان می مانند، شکنجه می گردند ، بیماری می شوند و از حق درمان محروم اند و چنانچه با همبندان خویش به این اعمال زندانبانان خویش معترض گردند و دست به اعتصاب و اعتراض در زندان بزنند ، از زندانی به زندانی دیگر تبعید می گردند.

پاسخ به چه می توان کرد ما برای جلوگیری از تجاوز به حقوق کارگران ، اقدام گسترده و متحدانه جهانی ما ، بدور از انحصار طلبی و مال خود کردن جنبش کارگری، بلکه با اقدام وسیع ما ها می تواند فراهم آید !

در انجام این راه نباید از هیچ اقدامی هر چند کوچک پرهیز نماییم . این کار از ما بر می آید. ما باید در صافی متحد و یکپارچه برای هموار کردن راه یک اقدام عظیم و گسترده جهانی حرکت کنیم . فردا خیلی دیر خواهد بود .

ما به سهم خویش با توجه به امر اتحاد داوطلبانه و محترم شمردن حقوق برابر یکدیگر، به هر ندا و فراخوان عملی برای اقدام مشترک پاسخ مثبت می دهیم .

برای همصدایی در امر دفاع از طبقه کارگرایران و دفاع از خواسته های بی پاسخ مانده آنان و دفاع از کارگران زندانی ، صدای بی صدایان باشیم !

محمد جراحی کارگر زندانی و همه آن دیگر کارگران زندانی و زندانیان سیاسی ، آزاد باید گردند!

ضمیمه ها

=====

(۱)

گفتگوی فرخ قهرمانی با آقای نیما پور یعقوب

<http://www.hambastegibakargaran.se/index.php/akhabar-blog/political/73-2012-02-29-15-56-081>

برنامه ویژه از رادیو همبستگی با کارگران ایران – گوتنبرگ

گفتگوی فرخ قهرمانی با آقای نیما پور یعقوب از فعالین هم پرونده با محمد جراحی و شاهرخ زمانی ، از فرار خود ، بیدادگاه رژیم ، ساختگی پرونده و سر هم کردن آن توسط بازجویان زندان تبریز و همچنین عدم ارتباط محمد جراحی و شاهرخ زمانی با پرونده ساختگی فعالان "جنبش دمکراتیک کارگری" و نشریه " آوای انقلاب " صحبت می کند

(۲)

طی سال های گذشته محمد جراحی طی پیامی از زندان تبریز نوشته است :

به کارگران ایران و کارگران دنیا

به سازمانهای کارگری واتحادیه ها ی سراسر دنیا

من محمد جراحی کارگر زندانی و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری هستم. من بیش از دو سال است در زندان تبریز به سر میبرم . در زندان دچار بیماری غده خوش خیم تیروئید شدم.. هنگام مراجعه به بیمارستان با دستبند و زنجیر به پا چنان از توهین و بد رفتاری زندانبان و ماموران همراه اذیت و آزار شدم که دیگر راضی به مراجعه به بیمارستان نیستم. شد.. من هم اکنون به اطلاع میرسانم : که مرا به دلایل واهی به شش سال زندان محکوم کردند. من يك کارگرمو کلیه فعالیتم در جهت تشکیل سندیکا و دیگر تشکلهای کارگری بوده است. تشکیل تشکلهای کارگری و سندیکا طبق مقوله نامه سازمان جهانی کار آزاد است. دولت جمهوری اسلامی ایران هم عضو این سازمان جهانی است و متعهد به انجام این مقوله نامه های جهانی می باشد. ایجاد سندیکا و دیگر تشکلهای واقعی از ابتدایی ترین حقوق ما کارگران است. من يك کارگرم و تا ایجاد تشکلهای و سندیکا فعالیت خواهم کرد. من در اعتراض به دولت که از تشکیل تشکلهای و سندیکاها ی کارگری جلو گیری به عمل می آورد به زندانی بودنم ادامه خواهم داد. هم اکنون تشکیل سندیکا مطالبه بر حق من است. و شرط آزادی من از زندان تشکیل سندیکا است.

محمد جراحی کارگر زندانی

(۳)

ریاست محترم سندیکای نقاشان ساختمان ایران

با عرض سلام و تقدیم احترام

ضمن درود به خدمت جنابعالی و سایر اعضای محترم سندیکای نقاشان و عرض خسته نباشید به عموم فعالان کارگری و کارگران زحمتکش ایران، به استحضار می‌رساند اینجانب محمد جراحی فعال کارگری و عضو سندیکای نقاشان با قریب به ۳۶ سال فعالیت سندیکایی هستم که به دفعات به‌خاطر دفاع از حقوق کارگران بازداشت و مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌ام. اینجانب در خرداد ماه سال ۹۰ به اتهام فعالیت در دفاع از حقوق کارگران توسط اداره اطلاعات تبریز بازداشت و پس از نزدیک به ۲ ماه بازداشت توأم با شکنجه و آزار و اذیت جسمی و روحی توسط دادگاه انقلاب تبریز طی یک حکم ناعادلانه به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شده‌ام و هم‌اینک بیش از ۲ سال است در زندان مرکزی تبریز مشغول گذراندن محکومیت خود هستم.

در طول این مدت به دلیل شرایط سنی (۵۵ سال) و وضعیت نامناسب زندان تبریز از نظر تغذیه و بهداشت به بیماری‌هایی اعم از سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون دچار شده‌ام. ولی متأسفانه تا به حال اقدامات مناسبی از طرف مسئولین زندان در راستای درمان بیماری‌هایم انجام نگرفته است. شایان ذکر است بنده به‌خاطر ابتلاء به بیماری سرطان تیروئید یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته‌ام و طبق نظر پزشکان متخصص مراحل درمانی باید در بیرون از زندان پیگیری شود. از این‌رو اینجانب با تکمیل پرونده پزشکی خود و ارسال آن به پزشکی قانونی جهت صدور نظر کارشناسی مبنی بر عدم تحمل حبس اقدام کرده بودم و اکنون با گذشت ۵ ماه از طرف مسئولین امر پاسخی دریافت نکرده‌ام.

باید عنوان کنم اینجانب در طی ۲ سال گذشته از مرخصی بهره نبرده‌ام و حتی پس از عمل جراحی تیروئید و علیرغم نظر پزشکان مبنی بر استراحت کامل، مسئولین زندان از اعطای مرخصی استعلاجی به بنده خودداری و بلافاصله پس از عمل جراحی به زندان منتقل شده‌ام.

با توجه به موارد ذکر شده به ضرر قاطع اعلام می‌کنم که حکم صادره کاملاً ناعادلانه و فرمایشی بوده و اینجانب قربانی فعالیت‌های خود در راستای احقاق حقوق کارگران شده‌ام. فلذا ضمن ارائه این گزارش از حکم صادره دادگاه و وضعیت جسمی خویش، خواشم‌ندم تا پرونده اینجانب را مورد پیگیری قرار دهید تا عدالت در این‌باره اجرا شود.

با سپاس و امتنان

فعال کارگری، محمد جراحی

برگرفته از سایت : آوای کار - ۲۴ شهریور ۱۳۹۲

<https://avayekar.org/?p=4920>